



سهند ستاری

ببایید در همین آغاز، مواجهه‌های بی‌برده با مداخله مردم ترکیه در وضع موجودشان داشته باشیم. مداخله‌ای که به خلق یک رخداد انجامید و مردم یا همان سوژه جمعی سیاسی را در خیابان‌ها و میداین ترکیه شکل داد. اما شاید بتوان اذعان داشت که خاستگاه اولیه این شورش، ریشه در چندین اعتراضی نامیز دارد که در نهایت با اقدام دولت اردوغان به تخریب پارک گزی (Gezi) به یک خصم مشترک بدل شد و اردوگاه مردم را در برابر اردوگاه دولت شکل داد که همانا دو بخش آنتاگونیستی آشتنی‌ناپذیر وضعیت‌اند. در ۲۸می، ده‌ها نفر بر آن شدند تا با دیواری انسانی، پروژه ساخت مرکز خرید را در این پارک متوقف کنند که با سرکوب پلیس و طیف بیضه‌نظامی‌ها مواجه شدند. آنچه از همان ساعات اولیه روز ۳می در شهر استامبول آغاز شد، جنبش تسخیر گزی (occupy Gezi) را به شورش‌های ترکیه گره زد و به سرعت شهرهای دیگر

ترکیه نیز به این جنبش پیوستند. اما این مساله را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان صرفا با اهمیت زیست‌محیطی بررسی کرد. چراکه پروژه ساخت مرکز خرید در پارک گزی (Gezi) تنها و تنها به مساله قطع تعدادی درخت محدود نمی‌شود.

میدان تقسیم استامبول برای سنت چپ ترکیه و جنبش کارگری از اهمیتی تاریخی برخوردار است. درست در همین میدان بود که در اول می ۱۹۷۶ تظاهرات نیمه‌میلیون نفری ترک‌ها مورد حمله و هجوم شبهه‌نظامی‌ها و نیروهای امنیتی قرار گرفت که ده‌ها نفر در آن اعتراضات کشته شدند. ازاین‌رو وفاداری به اتفاقات می ۱۹۷۶ و بازگشت به تظاهرات آن سال در میدان تقسیم و همچنین درخواست مجازات و محاکمه مسوولین کشتار برای سنت چپ و جنبش کارگری ترکیه همواره ارزش و اهمیتی نمادین داشته است. از طرفی نیز در پی تضاد آشکاری که میان دولتمردان ترکیه و جنبش چپ و رادیکال و کارگری این کشور وجود داشته و دارد، ممنوعیت تجمع اول می ۲۰۱۲ در میدان تقسیم، بار دیگر تضامم میان مردم و دولت را رو آورد. این در حالی بود که حمله و هجوم توجیه‌ناپذیر پلیس به فعالان کارگری در اول می که منجر به زخمی‌شدن بسیاری از تجمع‌کنندگان شد، به شکاف میان مردم و دولت دامن زد. از سویی دیگر دقیقا ۱۰ روز پس از درگیری‌های روز جهانی کارگر، مردم ترکیه در اثر انفجارهایی که در شهر هاتای (HATAY) اتفاق افتاد یکی از تلخ‌ترین و خونین‌ترین اتفاقات تاریخ خود را تجربه کردند. اما در شرایطی که عامل اصلی این حمله مشخص نبود و گویا همچنان نیز مشخص نشده است، دولت اردوغان ه‌نتها به مردم، پاسخ‌گو نبود بلکه اطلاع‌رسانی و پوشش خبری این فاجعه را نیز به مدت دو روز ممنوع کرد. با وجود آنکه مردم درپی انفجارهای هاتای در شک و نگرانی و خصم غریبی غرق بودند اما جنبش رادیکال و چپ دانشجویی ترکیه اعتراضات خود را در دانشگاه صنعتی خاورمیانه از نو آغاز کرد که با خنثوت تلویحی پلیس، آن اعتراضات نیز سرکوب شد.

از طرفی دیگر، سیاست‌های اقتصادی دولت اردوغان نیز به‌رغم هوچی‌گری‌هایی که به میانجی نظام سرمایه‌داری آمریکایی و با اتکا به آمار و ارقام بر طبل رشد اقتصادی می‌کوبد و بر حباب‌های شیک و فریبنده پیشرفت خود در رقابت با دولت‌های منطقه می‌دال اما از طرف کارشناسان اقتصادی زیر تیغ نقد بوده و هست. چراکه تا زمانی که اقتصاد دولت اردوغان در حال رشد بود دست کم مانعی بر شکل‌گیری جنبش‌های مردمی می‌شد و بر بنیان و اساس همین رشد اقتصادی بود که حزب عدالت و توسعه ضمانت انتخابی خود را برای چند دوره تثبیت کرد. از ۳۴درصد در سال ۲۰۰۲ تا ۴۶درصد در ۲۰۰۷ و نزدیک ۵۰درصد در سال ۲۰۱۱. حزب عدالت و توسعه در سال‌هایی که دولت را در اختیار داشته رشد قابل‌توجهی در دسترس است. اقتصاد ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ با نرخ متوسط سالیانه ۷٫۵درصد رشد توانست درآمد متوسط سرانه از دوهزار و ۵۸۰دلار آمریکا در سال ۲۰۰۱ را به



رحمان بوذری

وقتی ترکیه با داشتن بالاترین آمار روزنامه‌نگاران زندانی، صرف‌نظر از مابقی زندانیان سیاسی آن، می‌شود مقصود و نمونه اعلامی «حکمرانی خوب» و همزیستی مسالمت‌آمیز اسلام و دموکراسی و مظهر تام‌تمام پیشرفت و توسعه‌یافتگی، وقتی اردوغان، چپ می‌رود راست می‌آید از حقوق‌بشر دم می‌زند و دو دفاع از فلسطینیان دارد، وقتی اکثر روشنفکران و فعالان سیاسی، ترکیه را الگوی بهار عرب می‌خوانند، وقتی در بحبوحه بحران اروپا رشد اقتصادی و رفاه عمومی حیرت‌انگیز است، وقتی ناتو سپر موشکی‌اش را آسوده‌خاطر می‌پردازد، در علم می‌زند، وقتی آمریکا لاله می‌زند برای میانجی‌گری‌های دیپلماتیک ترکیه در منطقه، وقتی کردها سلاح‌هایشان را زمین می‌گذارند و لوجالان کشش‌هایش را به نشانه ترک بازی می‌آورند، وقتی فیلم‌ها و سریال‌های ترک، بشیم و تیراک، پرنسس جابودیان و حسین‌کنان، خرم سلطان و ماهی‌دوران، خانه‌ها و افکار ما را تسخیر می‌کنند… درست در چنین هنگامه‌ای است که ترکیه، ترکیه محبوب رفرم‌خواهان، چین می‌خورد و ترک برمی‌دارد. کاری که معترضان ترک به خوبی از پس آن برآمده‌اند، تا همین‌جا کار آنها پیروزی‌زد شکستن تصویر کلاب و جعلی ترکیه دموکرات و تکثرگرا تا پیش از این اعتراضات گرچه مکرر در مکرر با مقالات و نوشته‌های روشنفکران ترک صورت می‌گرفت، همچنان صدایی فراتر از نهائیات جمع کوچکی از تنگبان نمی‌یافت. معترضان دروغ این تصویر را بر آفتاب انداختند، «مشت آهنین» اردوغان را رو کردند و بالاخره صدای جهانیان را در آن بردیدند.

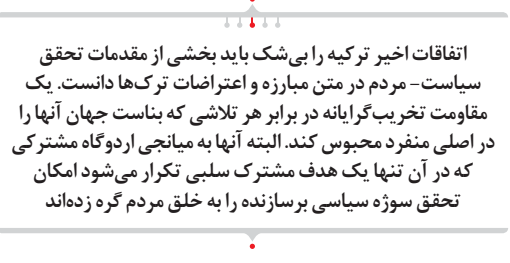
ترکیه سال‌هاست که سیاست ترس و هراس‌افکنسی در پیش گرفته است، سال‌هاست که دهان منتقدان و ناراضیان را بسته است، سال‌هاست که اقلیت‌ها را نادیده گرفته است. در یک قلم، همین سالال گذشته کمینه حفاظت از روزنامه‌نگاران با انتشار گزارش‌ی، از ترکیه به عنوان «بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران» در سال ۲۰۱۲ میلادی نام برد، چه رسد به دیگر زندانیان عقیدتی و قومی و مذهبی و در یک کلام سیاسی… براساس این آمار، ترکیه بدترین کشور دنیاست. توصیف شده که به زندانی کردن روزنامه‌نگاران می‌پردازد. در این کشور، ۴۹فعال رسانه زندانی‌اند. مقامات ترکیه، خبرنگاران و تحلیلگران کرور را به اتهامات مربوط به تروریسم و روزنامه‌نگاران دیگری را به اتهاماتی که «وطنه علیه دولت» توصیف می‌شود، دستگیر می‌کنند. همه اینها اما به‌دلیل همسویی این کشور با سیاست‌های اقتصاد جهانی بازتابی در رسانه‌ها نمی‌یابند. تصویر ساخته و پرداخته رسانه‌ای از ترکیه کشوری است آرام و زیبا

جهان

تحقق سوژه سیاسی در اردوگاه مردم



حدود ۱۰هزاردلار آمریکا در سال ۲۰۱۱ افزایش دهد. این درحالی بود که پس از بحران جهانی سرمایه‌داری در ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و آسیب‌هایی که متوجه اقتصاد آنها نیز شد اما در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ با نرخ رشد ۹درصدی بحران را پشت سر گذاشته و آسیب‌ها را در ظاهر جبران کردند. اما این تمام ماجرای پیشرفت و رشد اقتصادی دولت اردوغان نبود. چراکه بخش عمده‌ای از رشد اقتصادی دولت او بر پایه تزریق بی‌حد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود که از طریق خصوصی‌سازی جمعی دارایی‌های دولتی صورت می‌گرفت که در نهایت نیز کشورش را در بدهی خارجی عجیبی فرو برد. تولید ناخالص داخلی ترکیه از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ با رشد معادل ۴۴میلیارددلار، بدهی خارجی آنها را به ۵۵میلیارددلار رساند. از این‌رو شاید دیگر مجال موقعیت کنونی دولت آنها و سرود معجزه اقتصادی دیگر به پایان خود نزدیک شده است. به زعم بسیاری از منتقدان از جمله خورخه مارتین، اقتصاد



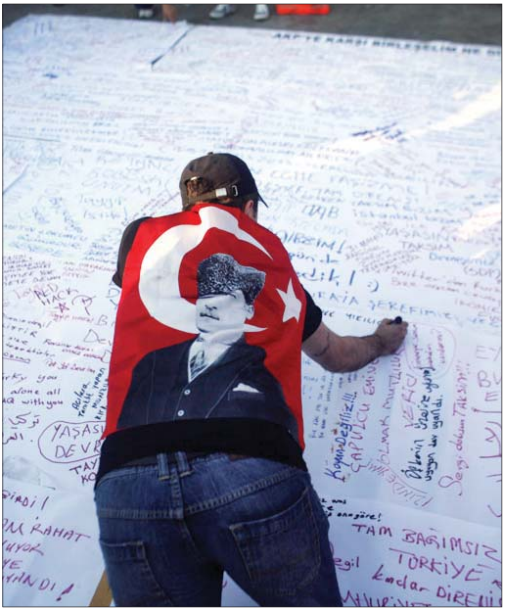
ترکیه همچون یادکنکی است که باد آن به تدریج در می‌رود و زیر ضربات غیرمنظم بازارهاست. در حالی که رشد تولید ناخالص داخلی به شدت رو به سقوط است و در سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۲/۲درصد و در فصل قبل مصرف خصوصی داخلی ۱/۸درصد نیز کاهش داشته است.

بنابراین اگر نفس این اعتراضات را کنار هم بچینیم رخداد و خیزش و شورشى که در پی اعتراض به تخریب پارک گزی تقسیم صورت گرفت را حتی به‌رغم حمایت‌ها و رهبری ظاهری جنبش‌های محیط‌زیستی، نمی‌توان تنها بقاعده و اهمیت زیست‌محیطی خواند. گرچه آرمان حفاظت و وفاداری به فضاهای عمومی مشترک (public spaces) و مقاومت در برابر تصاحب و بلعیدن این فضاها توسط سرمایه‌داری جهان و محلی در متن این خیزش که جمعیتی ناهمگن را با خود همراه داشته کاملا مشهود است؛ جنبشی که گویی در آن همه آدم‌را از اعضای حزب کمونیست، مسلمانان خندسرمایه‌داری، جبهه‌های سوسیالیستی انقلابی، فعالان اتحادیه‌های کارگری، احزاب کارگری تا حتی حزب جمهورخواه خلق (ناسیونالیست‌های سوسیال‌دموکرات) حضور دارند. مردم، تک به تک از هر طبقه‌ای

درباره ترکیه‌ای که نمی‌شناسیم

با رشد اقتصادی چشمگیر، رو اسبه در تاخت‌وتاز به سوی دروازه‌های تمدن و پیشرفت. دیگری توانایی‌اش را می‌تایند در ارایه چهره‌ای از مذهب بدون تحمیل مقبیده خود بر این و آن، تا در وقت مقتضی الگویی جدید رو کنند برای حکمرانی. همچون نسخه‌هایی که برای مثال در بحبوحه بهار عربی از در دیوار بر سر اعراب می‌ریخت. اعتراضات چند روز اخیر همه این تلاش‌ها را بر باد داد. نخست‌وزیر اردوغان حق دارد معترضان را جوانانی بخواند که «خوشی زیر دلشان زده»، راستی کدام خوشی؟

«یکی از نکات تأثیربرانگیز درباره رژیم‌ها اقتدارگرا این است که این رژیم‌ها نویسندگان را بدل می‌کنند به کسانی که مدام باید بدیهیات را تکرار کنند. بدیهیاتی از قبیل: روزنامه‌نگاران نباید زندانی شوند، زندانی کردن اقلیت‌ها بی‌رحمانه است، نباید از گاز اشک‌آور بیش از حد استفاده کرد. طوری که منجر به مرگ شود، دانش‌جویان معترض را نباید سال‌هاى متداوم زندانی کرد، مجازات باید منطبق بر قانون باشد…» این را چه تملکوران، نویسنده و روزنامه‌نگار ترک می‌گویند و پرده‌ای دیگر از خوشی آنان را کنار می‌زند؛ «ترک‌ها خسته شده‌اند پس که به دنبال پرونده‌های سیاسی از این دادسرا به آن دادسرا رفتند، چندان که می‌تواند کافکارا ابرارنگیزت تا شاهکارش، محاکمه را بازنویسی



در متن این جنبش شکل گرفته‌اند و به آنتاگونیسم وضعیت خود بدل شده‌اند. پس مهم‌ترین دغدغه امروز همانا تحقق مردم (People)و به یک اعتبار وجودداشتن مردم است. باید تأکید کرد مردم– یعنی همان سوژه جمعی سیاسی– مجموعه‌ای از اعضای یک طبقه خاص، مثلا صرفا زحمتکشان یا طبقه متوسط یا هر چیز دیگر نیست. مردم همان طیفی است که به میانجی‌ی آنها می‌توان به حساب‌نیامده‌ها را یا کل جمعیت یکی گرفت. بنابراین مردم را باید به‌سمان متممی دانست که جمعیت را از خودش جدا می‌کند.

بر این اساس اتفاقات اخیر ترکیه را بی‌شک باید بخشی از مقدمات تحقق سیاست– مردم در متن مبارزه و اعتراضات ترک‌ها دانست. یک مقاومت تخریب‌گرایانه در برابر هر تلاشی که بناسنت جهان آنها را در اصلی منفرد محبوس کند. البته آنها به میانجی اردوگاه مشترکی که در آن تنها یک هدف مشترک سلبی تکرار می‌شود امکان تحقق سوژه سیاسی برساننده را به خلق مردم گره زده‌اند تا بتوانند همچون عنصری بیرونی بر ساختاری که مولفه‌ها و رابطه‌های میان آنها با وسواسی خاص به نفع سرمایه‌داری محلی و جهانی تنظیم شده است، وارد شوند و آن ترک و شکافی که گمان می‌رفت با آن بین‌بردن مردم ملغی شده و جوش خورده است را مجددا باز تولید کنند. از این‌رو درپی شکافی که در وضعیت به وجود می‌آید، مردم می‌توانند در بطن همان شکاف سکنی گزینند. گویی آنجا تنها «جایی» است که مردم شکل می‌گیرند. شکافی که امروز مکان و زمان اردوگاه مردم است. اما به سبب کثرت چندتکه‌ای که در بدن خیزش وجود دارد همچنان مجال این پرسش باقی است که اگر شکل‌گیری اردوگاه مردم با چنین جمعیت ناهمگنی صرفا برای یک هدف مشترک سلبی باشد در آن صورت بدن شورش مردمی ترکیه چه زمانی از هم خواهد پاشید و تکه‌های این بدن به انهدام فراگیر جنبش‌ها دچار خواهند شد؟

بنابراین برای راهی از انهدام آغازین باید همه تکه‌های بدن این شورش، تمامقد به هیات سوژه سیاسی رادیکال دربیانند که درپی طلب امر ناممکن است. سوژه سیاسی‌ای که می‌تواند با تأکید بر گزینها و شرایطی که در لحظه اکنون و در وضع موجود ناممکن به نظر می‌رسد، نظم موجود را به هم بزند. آنچه این روزها در خیابان‌های ترکیه مصداق همین سوژه سیاسی رادیکال است. بر این اساس و در پی تحقق امکان طلب امر ناممکن، شاید بتوان با کمی خطر مدعی شد که بازگشت ترومای اینار، تنها از دل چنین کنش–تفکری برمی‌خیزد. بنابراین گرچه اساس مثنی مبارزه آنان که در فهم حاکمان، صرفا در آشوب و برهم‌زدن نظم اجتماعی خلاصه می‌شود اما در اصل مبتنی است بر ایده تعین‌بخشی خاص که برخاسته از یک نوع نفی در دل وضعیت است و بناسنت ساختار و موقعیت اجتماعی خودش را در برخورد با دیگری، چندپاره کند و هویت و ماهیت خویش را در کوران گفتارها و ایمازهای تاریخی و روایت، برهم زند. یک نفی دیالکتیکی که همانا نفی متعین است. از آنجایی که نفی دیالکتیکی ذاتا انضمامی است به همین دلیل، طلب امر ناممکن باید با نفی دیالکتیکی وضعیت همراه باشد تا به طلب توهم‌آمیز و نوعی محافظه‌کاری عقیم دچار نشود. نفی دیالکتیکی، یک نفی متعین است و به همین معنا نوعی عمل در عرصه عینی است. از این رو «اینار» را می‌توان به عنوان نوعی میانجی برای تحقق بخشیدن این «طلب» تلقی کرد.

در این شرایط و با توجه به ساختار پیچیده این جنبش و خیزش، وجود نداشتن رهبری واحد و ماهیت و خصلت طبقه‌ای بخش قابل‌توجهی از معترضان که با انگیزه‌های ملی‌گرایانه و سکولار به میدان آمده‌اند، تحلیل از آینده این خیزش را دشوار ساخته است اما ساکنین اردوگاه مردم باید برای جلوگیری از سرخوردگی عمومی و همچنین جنبش کارگری از هر فرصتی برای تسخیر فضاهای شهری استفاده کنند و شاید دیگر وقت آن فرا رسیده است که دولت اردوغان هم بپذیرد است اگر تا به امروز به نحو سرسام‌آوری رهبران دیکتاتوری چون مبارک و قذافی و اسد را مورد خطاب قرار داده است که صدای مردمشان را بشنوند، اکنون زمان آن است که دولت اردوغان نیز صدای اردوگاه مخالف، صدا و فریاد مردم خود را نیز بشنود.

نگاهی کوتاه به برخی خوشی‌های ترک‌ها تا پیش از آغاز این اعتراضات می‌تواند وضوح تصاویر دریافتی از رسانه‌ها را آشکار کند. احمدشیک، روزنامه‌نگار ترک، وقتی از خود در برابر کثیرخواست احقاقه‌اش دفاع می‌کرد به گفته‌ای از ولان بارت اشاره کرد: «افتیشسم تنها مردم را به سکوت وامنی‌دارد، مجبورشان می‌کند حرف بزنند». احمد به همراه ۱۰۳ روزنامه‌نگار حدود یک سال بدون هیچ حکمی بازداشت بود. این روند معمول در پرونده‌های قضایی ترکیه است: اتهامات مبهم و بی‌پایه، بی‌هیچ دلیل و مدرک محکم، گاه حتی سال‌های متداوم بازداشت موقت. در سال ۲۰۱۱ فقط ۹هزار پرونده باز در دادگاه اروپایی حقوق بشر علیه ترکیه در جریان بود. وکیل احمد در جریان دفاع از او به قنات گفت که تهدید به بازداشت شده، آن هم با این استدلال که دفاعیه او ممکن است مشمول قوانین ضد‌ترور شود. هم‌اینک ۴۰ وکیل به استناد همین قانون ضد‌ترور در بازداشت به‌سر می‌برند.

۲۲ ژوئن ۲۰۱۰، ارکان گوموش‌تاشور در بازداشت. یاسر عسار از آتش زد تا به شرایط زندگی در زندان اعتراض کند. مسلمانا معدود افرادی در ترکیه حتی نام او را می‌دانند. اسم او حتی در گزارش‌های انجمن حقوق بشر ترکیه نیامده، چه رسد به اینکه در رسانه‌ها منعکس شود.

۳۱ مه ۲۰۱۱، متین آشکومو معلمی ساده در اثر حمله قلبی ناشی از استفاده افراطی پلیس از گاز اشک‌آور در یورش به اعتراضی ضدحکومتی کشته شد. دوستان او وقتی می‌خواستند علیه اعمال خشونت بر معترضان تظاهرات کنند به استاد قانون ضد‌تروریسم دستگیر شدند. پلیس ترکیه چندان مهربان‌تر از دیگر پلیس‌های دنیا نیست. این نکته البته حالا و پس از اعتراضات میدان تقسیم زاید می‌نماید. دو هفته پیش، کمتر کسی چنین ادعایی را باور می‌کرد.

کودکان کرد برای کسب در آمد مجبورند در کوه و کمر مرزهای عراق سیگار قاچاق کنند. آنها نیز چندان خوشبخت‌تر از جوانان سوری نیستند. وقتی ۹نفر در آنها طی یک عملیات باکساز در اولودر کشته شدند، تصاویرشان راهی به اخبار نیافت. حکومت تصمیم گرفت واقعه را مسکوت گذارد و نخست‌وزیر محبوب، رجب‌طیب اردوغان، منتقدان این واقعه را به دلیل بی‌انصافی نسبت به حکومت، سبزنش کرد. از هرچه بگذریم، ترکیه یوتیک‌های جذابی دارد و به‌دلیل تعدیل‌های اقتصادی‌اش مورد تشویق صندوق بین‌المللی پول قرار می‌گیرد.

ترکیه این روزها، ترکیه‌ای است که نمی‌شناسیم؛ ترکیه‌ای متمایز از «عشق ممنوعه» و «عمر گل لاله». اعتراضات ترکیه، به هرجا بینجامد، موفق شود یا نشود، اردوغان عقب نشیند یا انشیند، نقدا صحنه را تغییر داده است. دیگر کسی نمی‌تواند از ترکیه سخن بگوید، مگر پیش از آن از ناراضیان سخن گفته باشد، مخالفانی که قریب یک‌دهه محکوم به سکوت و حبس بوده‌اند و حالا همه ناراضی‌ها یکجا‌فواران کرده است.

گزارش

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

شعار «بهار ترکی»

نیم‌نگاه

«تجدد ترکی» به جای «بهار عربی»

حزب و مردم علیه اردوغان

تظاهرات مخالفان ترک، به نوعی امید لیبرال‌های خاورمیانه است چراکه نخستین اعتراضات از سال ۲۰۱۱ میلادی

است که دموکراسی، بزرگ‌ترین انگیزه آن است. معترضان در بسیاری از کشورها